

Pazhuheshnameh Matin

Journal of The Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution
Volume 24, Issue 97, Winter 2023

**Jurisprudential and Legal Foundations of Patent Rights
in View of Imam Khomeini¹**

Abulfazl Nasrabadi²

Abstract

Research Paper

Protecting patent rights as principal example of industrial property rights and granting material and spiritual rights to the owner of the invention papers and the history of legislation of the issue in 1921, before ratification of such laws as Civil Code and Trade Law, indicate legal protection of patent rights. However, despite enactment of various domestic laws as well as many international conventions such as Paris Convention for Protection of Industrial Property (1883) and Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS) with Islamic Republic of Iran joining some of these conventions, jurisprudential and legal foundations of this right in terms of lack of history of the issue in Islamic Law, as well as novelty of this branch of law – that is among the newly emerged issues according to some jurists – have created different challenges and viewpoints which are sometimes contradictory. This paper first reviews opinions for and against this branch of law, and while readdressing Imam Khomeini's opinion concerning the subject, analyzes some legal foundations of the issue.

Keywords: Patent rights, industrial property, intellectual property rights, inventor, Paris Convention, TRIPS agreement

1. DOI: 10.22034/MATIN.2023.156121.1305

DOR: 20.1001.1.24236462.1401.24.97.2.5

2. PhD (Jurisprudence and Private Law), Kharazmi University, Tehran, Iran,
Email: nasrabadi_55@yahoo.com

مبانی فقهی و حقوقی حق اختراع بارویکردی به دیدگاه امام خمینی (ره)^۱

ابوالفضل نصرآبادی^۲

مقاله پژوهشی

چکیده: حمایت از حق اختراع^۳ به عنوان مصداق اصلی حقوق مالکیت‌های صنعتی^۴ و اعطای حقوق انحصاری مادی و معنوی به صاحب ورقه اختراع و سابقه تقنینی موضوع در سال ۱۳۱۰ و قبل از تصویب قوانینی همچون قانون مدنی و قانون تجارت، مبین حمایت قانونی از حق اختراع است، مع الوصف علی‌رغم تصویب قوانین متعدد داخلی و نیز کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی از جمله کنوانسیون پاریس (۱۸۸۳)^۵ و موافقت‌نامه تریپس^۶ و الحاق کشورمان به برخی از این کنوانسیون‌ها، مبانی فقهی و حقوقی این حق به لحاظ فقدان سابقه موضوع در حقوق اسلامی و با توجه به نوپایی این شاخه از حقوق که به تعبیر فقها جزء مسائل مستحدثه محسوب می‌شود، چالش‌ها و دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متعارضی را پدیدار ساخته است. در این مقاله بدو به بررسی دیدگاه‌های مخالفین و موافقین این دسته از حقوق پرداخته و ضمن طرح دیدگاه امام خمینی در این خصوص، برخی مبانی حقوقی موضوع را نیز مورد بررسی قرار خواهیم داد.

کلیدواژه‌ها: حق اختراع، مالکیت صنعتی، حقوق مالکیت‌های فکری، مخترع، کنوانسیون پاریس، موافقت‌نامه تریپس.

1. DOI: 10.22034/MATIN.2023.156121.1305

DOR: 20.1001.1.24236462.1401.24.97.2.5

۲. دانش‌آموخته دکتری فقه و حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی تهران، ایران.

E-mail: nasrabadi_55@yahoo.com

3. patent

4. industrial property

5. Paris Convention for the Protection of Industrial Property

6. Agreement on Trade Related of Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPs)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۲۲

پژوهشنامه ماتین / سال بیست و چهار / شماره نود و هفت / زمستان ۱۴۰۱ / صص ۱۵۶-۱۳۱

مقدمه

در خصوص مبانی حمایت از حقوق مالکیت‌های صنعتی و مصداق بارز آن یعنی حق اختراع از دیرباز اختلاف نظرهایی بین حقوق‌دانان و فقها نقل شده است. عمده دلیل این تفاوت دیدگاه‌ها علاوه بر نوپا بودن این شاخه از حقوق، این است که در همه نظام‌های حقوقی ترکیبی از حقوق مادی و معنوی برای دارنده آن قائل شده‌اند. به طوری که مخترع پس از ثبت اختراع و صدور گواهینامه اختراع، از یک‌سو دارای حق انحصاری مادی نظیر حق تکثیر، فروش، صادرات و ... است و از سوی دیگر، دارای حقی معنوی است که بر اساس آن، قانون‌گذار برای او امتیازاتی را در نظر گرفته است، از جمله این که نام او در ورقه اختراع ثبت می‌شود. با عنایت به نوپایی این حق و نیز حمایت‌های دوگانه مادی و معنوی از پدیدآورندگان آثار در این حوزه، موضوع بررسی مفهوم و مبانی این حق و مصداق آن با ظرایف خاصی مواجه بوده که بایستی به این ویژگی‌ها و اقتضائات خاص توجه نمود (میرحسینی ۱۳۸۷: ۴۶).

مبانی، جمع عبارت مبنی است که معادل فارسی آن را پایه دانسته‌اند. حقوق‌دانان نیز تحلیل‌های متعددی در خصوص این عبارت ارائه نموده‌اند و معنا و مفهوم «دلیل اعتبار» بیشتر از سایر مفاهیم مبین تعریف و شناساندن معنای واژه «مبانی» است (منصورآبادی و ریاحی ۱۳۹۱: ۹).

عمده مبانی نظری ارائه شده در این خصوص نیز به تبعیت از مباحث سنتی مطروحه در حوزه فقه و حقوق، بر مبنای توجیه مالکیت ارائه گردیده است و در این رابطه تلاش می‌کنند که با بهره‌مندی از مبانی مالکیت به توجیه نظام مالکیت‌های فکری و حقوق مترتب بر آن هم پردازند.

البته، علاوه بر مبانی فقهی ارائه شده، نظریه‌های متعدد دیگری نیز ارائه گردیده است که از آن جمله می‌توان به مبانی حقوق طبیعی، حقوق شخصیت، قرارداد اجتماعی، رفاه اجتماعی، عدالت توزیعی، ممانعت از سوءاستفاده و بهره‌برداری غیرمجاز دیگران، تئوری امید (آینده‌نگری)، اشاعه ایده‌ها در راستای منفعت عمومی، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و ترویج فعالیت‌های عمومی را نام برد.

پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر در زمره معدود تحقیقاتی است که به بررسی مبانی فقهی و حقوقی نظام حقوقی حمایت از اختراعات و به‌ویژه با توجه به رویکرد و تلاش جمهوری اسلامی ایران جهت الحاق به سازمان تجارت جهانی می‌پردازد و ضمن تبیین حق اختراع و آثار مترتب بر آن، مبانی فقهی و حقوقی اعتبار این حق را به همراه دلایل موافقین و مخالفین شناسایی حق اختراع، مورد بررسی قرار می‌دهد و در ضمن ارائه نظرات فقهی در خصوص موضوع، به بیان دیدگاه فقهی امام خمینی در این خصوص نیز می‌پردازد. با توجه به این که اصولاً موضوع اعتباربخشی به حوزه حقوق مالکیت‌های فردی، اعم از مالکیت‌های ادبی و هنری و یا مالکیت‌های صنعتی و مصداق بارز آن یعنی حق اختراع، فاقد پیشینه قابل اتکا و تفصیلی در مباحث فقهی و در میان فقها بوده و به نوعی در زمره مسائل مستحدثه محسوب می‌گردد و نواقص و کاستی‌های موضوع در قوانین و مقررات حقوق داخلی نیز وجود دارد، لذا اکثر مؤلفین حقوق مالکیت فکری در این بخش اشاراتی نسبت به مبانی موضوع و برخی از شرایط شناسایی و حمایت از حق اختراع داشته و عموماً به تبیین و تحلیل شرایط مزبور و عنداللزوم پیشنهاد اصلاح و ساماندهی آن‌ها بخصوص با توجه به مقررات مدون در اسناد بین‌المللی پرداخته‌اند و مقالات و پایان‌نامه‌های تدوین یافته نیز عمدتاً به بررسی و تحلیل اصول و شرایط حاکم بر حق اختراع و آثار مادی و معنوی مترتب بر این حق و ضمانت اجرای حمایت از آن در حقوق داخلی پرداخته و عموماً حوزه پژوهش را با لحاظ قوانین و مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون پاریس و موافقت‌نامه تریس بررسی نموده‌اند.

مفهوم و ماهیت حق اختراع

به منظور بررسی هر تأسیس حقوقی، لازم است ابتدائاً مفهوم و ماهیت آن مورد ارزیابی قرار گیرد؛ به همین دلیل و در راستای شناخت بهتر این حق، به بررسی مفهوم حق اختراع مبادرت می‌ورزیم.

از نظر لغوی، اختراع به معانی نوآوری، نو انگیختن و آفریدن بیان شده است (معین ۱۳۷۱ ج ۱: ۱۶۵؛ عمید ۱۳۷۱ ج ۱: ۹۳) و معنای اصطلاحی عبارت است از اثر فکری یک مبدع و

مبتکر در زمینه صنعت به مفهوم عام آن که نهایتاً در عمل مشکلی را از حوزه صنعت حل می‌کند.

قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ در ماده ۱ تعریفی از اختراع به این نحو ارائه می‌نماید: «اختراع نتیجه فکر فرد یا افراد است که برای اولین بار فرآیند یا فرآورده‌ای خاص را ارائه می‌کند و مشکلی را در یک حرفه، فن، فناوری، صنعت و مانند آنها حل می‌نماید». فلذا می‌توان گفت که اختراع عبارت است از فرآورده یا فرآیندی که برای حل یک مشکل فنی ابداع و حاوی شرایط تازگی، ابتکار و قابلیت کاربرد در صنعت است.

اختراع دارای دو تجلی متفاوت و جداگانه خواهد بود. نخستین تجلی که ابتدائاً نیز مورد توجه قرار می‌گیرد صورت مادی و ظاهری آن است که معمولاً با یکی از حواس پنج‌گانه قابل لمس و ارزیابی است و تجلی دیگر، صورت ذهنی آن است که ابتدا در ذهن مخترع و مبدع و یا هر پدیدآورنده اثری نقش می‌بندد (درینی ۱۳۷۶: ۲۶) و عموماً با هیچ‌یک از حواس پنج‌گانه قابل لمس و دریافت نبوده و تنها می‌توان آثار خارجی نمایان شده آن را حس کرد.

در حقوق انگلیس برای این دو مفهوم دو عنوان جداگانه برگزیده شده است. به گونه‌ای که تجلی ظاهری و عینی اختراع را «invention» و تجلی ذهنی و فکری موجد شیء مادی تحت عنوان اختراع را «patent» می‌نامند.

پس از تبیین مفهوم و ماهیت حق اختراع، مبانی حمایت از اختراعات را بر اساس نظریات و اندیشه‌های مبتنی بر دیدگاه‌های فقهی و حقوقی، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مبانی مبتنی بر دیدگاه‌های فقهی حق اختراع

مباحث مرتبط با حق اختراع در فقه به صورت جدی مورد بحث واقع نشده و به تعبیری می‌توان این حوزه از حقوق را مشمول مسائل مستحدثه تلقی نمود. به همین دلیل، موضوع مشروعیت یا عدم مشروعیت این شاخه از حقوق، به یکی از مناقشات و اختلاف‌نظرهای گسترده میان طیفی از فقها و حقوق‌دانان تبدیل شده است. لیکن، با توجه به این که بر اساس اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقرر گردیده «کلیه قوانین و

مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.» و نیز با توجه به مفاد اصل نود و چهارم از قانون اساسی که نحوه نظارت و تطبیق قوانین و مقررات و مصوبات مجلس شورای اسلامی با موازین اسلامی و اجرای وظیفه شورای نگهبان در این خصوص را بیان داشته، لذا، بررسی و تحلیل مبانی فقهی، حقوقی موضوع در کنار سایر مبانی ارائه شده از جمله مبانی اقتصادی، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

دیدگاه‌های مخالفین حق اختراع

مخالفین مشروعیت این حق در راستای اثبات نظرات خویش، دلایلی را به شرح ذیل ارائه نموده‌اند.

۱. مغایرت با قاعده تسلیط

یکی از عمده‌ترین دلایل مخالفین؛ فقدان دلیل و مبانی فقهی و حقوقی اقناعی به منظور ایجاد ممنوعیت و محدودیت برای دیگران در تکثیر یک اختراع ثبت شده است. بر همین اساس، برخی از فقها آن را مخالف با اصل قاعده تسلیط، به عنوان یکی از قواعد فقهی مسلم می‌شناسند. بر اساس عقیده ایشان، کسی که کالا و محصولی را خریداری نموده و مالک حقیقی و قانونی آن شناخته می‌شود، بر اساس قاعده فقهی تسلیط، حق اعمال هر گونه تصرفی را در آن خواهد داشت و نوع و میزان بهره‌مندی از محصول خریداری شده که تحت مالکیت اوست به اراده خود مالک بستگی دارد و نمی‌توان در خصوص اعمال حقوق مالکانه وی دخل و تصرفی داشت و آن را ممنوع و یا محدود ساخت.

امام خمینی در بخش مسائل مستحدثه تحریر الوسیله می‌گوید: «آنچه که متعارف شده از ثبت صنعت برای مخترع آن و منع دیگری از تقلید و تکثیر آن، شرعاً اثری ندارد و منع دیگری از تقلید آن و تجارت به آن، جایز نیست و کسی حق ندارد سلطه دیگری را از اموال او و خود او سلب نماید» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۶۶۲).

برخی از شارحان کتاب تحریر الوسیله نیز در اثبات عدم تأیید این نوع از حقوق چنین

نظر داده‌اند:

صرف نظر از اشکالاتی که به سند روایی این قاعد وارد دانسته‌اند، در خصوص مفهوم و دامنه قاعده تسلیط نیز سه نظریه مطرح شده است: نظریه اول بیان می‌دارد که مردم حق هر گونه تصرف مادی و حقوقی در اموال خود را دارند و می‌توانند این حق را به هر کیفیتی که بخواهند اعمال کنند (محقق داماد ۱۳۸۰ ج ۲: ۱۲۱).

بر اساس نظریه دومی که این نویسندگان بیان کرده است، مردم بر اموال خود هر نوع سلطنتی دارند، اما در کیفیت و شیوه اعمال این سلطنت تابع مقرراتند (محقق داماد ۱۳۸۰ ج ۲: ۱۲۲). بر اساس نظریه سومی که ایشان ارائه کرده‌اند، این قاعده صرفاً بیان عدم محجوریت مالکان است و همین مقدار بیان می‌دارد که مردم نسبت به اموالشان حق تصرف دارند و بدیهی است، این سخن به هیچ وجه تجویزکننده انواع تصرفات نیست، بلکه انواع تصرفات و نحوه آن‌ها جملگی منوط به اجازه جداگانه شارع است. با عنایت به عدم اطمینان در خصوص سند روایی این قاعده و اختلاف نظرهای گسترده در زمینه دامنه شمول و حوزه اجرای این قاعده، تمسک به قاعده تسلیط در زمینه عدم اعتباربخشی به حقوق مالکیت‌های فکری با اشکالات اساسی مواجه خواهد بود.

۲. نهی و منع از کتمان علم

برخی از متقدمین فقها با استناد به آیه «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» (بقره: ۱۵۹) ایجاد حق انحصاری بهره‌برداری برای ناشر و یا مخترع و منع دیگران و یا ایجاد محدودیت‌های قانونی برای تکثیر بدون اجازه مالک محصول اختراعی یا اثر تألیف شده را نوعی از مصادیق کتمان علم می‌دانند که مورد نهی خداوند قرار گرفته است و آن را مخالف صریح با نص قرآن مجید تلقی می‌کنند.

برخی فقها با استناد به این آیه و سایر آیات قرآنی در این خصوص و نیز استناد به روایاتی که کتمان و پنهان داشتن علم را از سوی عالم نهی نموده از جمله روایت منقول از پیامبر اسلام که مقرر می‌دارد: «من سئل عن علم يعلمه فكتمه الجحيم يوم القيامة بلجام من نار» (مازندرانی ۱۳۸۸ ج ۱: ۱۸۹) و یا روایت دیگری از قول حضرت رسول «إذا ظهرت البدع في

امتی فلیظهر العالم علمه و من لم يفعل، فعليه لعنة الله» (مازندرانی ۱۳۸۸ ج ۱: ۲۳۵) قائل به این هستند که هر گونه ایجاد محدودیت در زمینه دسترسی دیگران به آثار و محصولات تولیدی ناشی از خلاقیت‌های فکری، به نوعی از مصادیق کتمان علم محسوب و در نتیجه مشمول نهی نبوی خواهد بود.

امام خمینی در کتاب تحریر الوسیله حقوق مالکیت فکری و مصادیق بارز آن از جمله حق تألیف و حق اختراع را نفی نموده و پذیرش این نوع از حقوق را باعث عدم ترویج ارزش‌های دینی و باقی ماندن مردم در جهالت و عقب‌ماندگی می‌داند (رحیمی و سلطانی ۱۳۸۵: ۱۳۸).

برخی با استناد به نظر امام که می‌گوید جایز نیست که دیگران را از تقلید و تجارت به آن صنعت منع کرد قائل به این هستند که به رسمیت شناختن حق اختراع، موجب خواهد شد که سایر اشخاص از تکثیر در تولید و خرید و فروش محصول ابداعی بدون اجازه پدیدآورنده آن محروم گردند و این امر در نهایت با آزادی تجاری افراد منافات دارد (حکمت نیا ۱۳۸۷: ۳۷۱).

البته با توجه به نقش تأثیرگذار اختراعات در پیشرفت صنعتی و اقتصادی جوامع، به نظر می‌رسد شناسایی این حق و اعتباربخشی به آن، نه تنها موجب عقب‌ماندگی و جهالت افراد جامعه نیست بلکه در راستای رشد و ترقی علوم و افزایش سطح رفاه جامعه خواهد بود و به نوعی از دایره مشمول کتمان علم و نهی متعلق به آن خارج است.

۳. عدم اعتبار از سوی شارع

یکی دیگر از دلایل مخالفت برخی از فقها، عدم وجود امضای شارع بر این شاخه از حقوق است. بر اساس نظر ایشان، با وجود این که در زمان شارع نیز مصادیق و گونه‌هایی از انواع تراوش‌های ذهنی انسان‌ها موجود بوده - هرچند به شکل گسترده امروزه نبوده است - لیکن عدم اعلام نظر شارع در این خصوص، به معنای عدم مشروعیت این دسته از حقوق است، هرچند که هیچ منع و ردعی نیز از سوی شارع صورت پذیرفته است، لیکن مشروعیت آن هم به دلیل سکوت شارع و عدم امضای آن اثبات نمی‌گردد.

بنابر نظر صافی گلپایگانی:

... حق اختراع را به مفهومی که در قوانین موضوعه جدید از آن تعریف شده است و آثاری که بر آن مترتب می‌نمایند، حقیر نتوانسته‌ام با احکام و نظامات اسلامی تطبیق نمایم و از عقود و معاملات هم نیست که بتوانیم بگوییم هر چند در عصر شارع مقدس عنوان نمی‌شده است، ولی به اعتبار این که عقد و معامله است، با ملاحظه شرایطی که در صحت عقد و معامله معتبر است، مشمول اطلاعات یا عموم بعضی ادله مثل اوفوا بالعقود است. با وجود این که در زمان شارع هم تألیف و اختراع و ابتکار بوده است، اما برای مؤلف و مبتکر و مخترع و محقق حقی اعتبار نمی‌شده است و شارع هم اعتبار نفرموده است و به عبارت دیگر، بنا بر عدم اعتبار بوده، ولو به این معنا که چون مورد التفات و توجه نبوده است، آثار مترتب بر آن مشروعیت نداشته، شارع هم با عدم تشریح این حق، روش عرف را امضا فرموده است. بناء علی کل ما ذکر، مشروعیت حقوق مذکوره را ثابت نمی‌دانیم (امامی ۱۳۷۱: ۲۰۹ - ۲۰۷).

در رد این نظر شاید بتوان گفت که چنانچه ردع و منعی از سوی شارع در این خصوص بیان نگردیده باشد و موضوع مطابق با قواعد عقلی و مورد تأیید عرف جامعه و مورد نظر عموم مردم نیز باشد، امضا و اعتبار شارع نیز به‌طور بنایی و ضمنی با آن همراه خواهد بود. موضوعی که به نوعی مورد تأیید امام خمینی نیز قرار گرفته و ایشان می‌گوید: عرف هر جامعه‌ای وقتی در جامعه مورد پسند عقلا قرار گیرد و مورد اعتماد و معتبر باشد، هر چند که به معصوم^(۴) متصل نباشد، چنانچه دلیل مخالفی از شرع در برابر آن نباشد، یکی از منابع قانون‌گذاری به شمار می‌رود (امام خمینی ۱۴۲۶: ۶۴).

به علاوه بر اساس گواهی تاریخ، رسول اکرم^(ص) در جنگ بدر مقرر نمود که چنانچه هر یک از اسیران جنگی که دارای سواد و علم و دانش است، سواد و دانش را به چند تن از مسلمانان بیاموزد بدون پرداخت هیچ‌گونه جریمه‌ای آزاد خواهد شد، بیان‌گر این امر است که حضرت رسول برای دانش و علم انسان‌ها ارزش مادی و مالی قائل بوده و آن را قابل مبادله و عوض کردن با اشیاء و خواسته‌های مادی نظیر آزادی از اسارت می‌دانستند و به تعبیر دیگر این که علم و آثار علمی نیز می‌تواند قابل تملیک و تملک باشد و شاید به همین

دلیل نیز برخی از متقدمین فقهای شیعه، همچون سید مرتضی و شیخ طوسی اعمال آموزشی انسان‌ها را ملک شمرده و آن را قابل صدق قرار گرفتن در حق زوجه می‌دانستند و فقهای امامیه قائل به این هستند که مانعی ندارد مهر زن، آموختن مقداری از قرآن باشد. با این توجیه، چون در روزگار شارع امکان بهره‌برداری و استفاده مالی از این گونه از حقوق وجود نداشته و منفعت مقصوده عقلایی در آن متصور نبوده، شارع به آن توجهی ننموده؛ اما اکنون که در اثر پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی، امکان بهره‌مندی مادی از آثار فکری ایجاد گردیده، آیا باید باز هم قائل به این نظر بود که همان حکم سابق شارع بر آن بار می‌شود (حلیمی ۱۳۸۴: ۷۶).

۴. تعلق اموال فکری به حکومت اسلامی

بعضی از فقها و نویسندگان اعتقاد دارند که چون این اموال قابلیت تملک شخصی را دارا نیست و جزء سرمایه‌های عمومی و در اختیار حکومت اسلامی، متعلق به عموم جامعه است، فلذا در اختیار و مورد استفاده شخص خاصی نمی‌تواند قرار گیرد و بر همین مبنا موضوع شناسایی حقی برای تولیدکنندگان محصولات فکری و خلق‌کنندگان این گونه آثار، موضوعیت نخواهد داشت.

از جمله این نویسندگان می‌توان به مطهری اشاره داشت که می‌گوید ماشین از آن نظر که مظهر ترقی اجتماع است و محصول ماشین را نمی‌توان محصول غیرمستقیم سرمایه‌دار دانست، بلکه محصول غیرمستقیم شعور و نبوغ مخترع است و آثار شعور و نبوغ نمی‌تواند مالک شخصی داشته باشد، پس ماشین‌های تولیدشده نمی‌تواند به اشخاص تعلق داشته باشد، این‌ها نقض مالکیت فردی نیست، الغای مالکیت خصوصی نیست، بلکه مالکیت اشتراکی در موارد خاصی است و موجبات آن اقتضا می‌کند در آن موارد مالکیت اشتراکی و اجتماعی باشد و نه فردی (مطهری ۱۳۹۲: ۵۹ - ۵۸).

دیدگاه‌های موافقین حق اختراع

موافقان بر این عقیده هستند که نظام فقهی اسلام نظامی پویا و فراگیر بوده و مطابق با نیازها و اقتضانات هر دوره، پاسخگوی مسائل حادث شده خواهد بود و بر مبنای این دیدگاه قطعاً

به دلیل تفاوت‌های موجود در جوامع دوران شارع مقدس و جوامع مترقی و صنعتی کنونی، برخی کاستی‌ها و ابهامات در حوزه‌هایی از حقوق اسلامی پدیدار گردیده، لیکن نظام حقوقی اسلامی در جهت حل این‌گونه مسائل مستحدثه از چنان قدرت و توانی برخوردار است که کمتر نظام حقوقی از این توان بهره‌مند است و تدوین مقرراتی با این دیدگاه و با بهره‌مندی از بن‌مایه‌های قواعد و اصول فقهی و منابع غنی اسلامی از جمله قرآن و احادیث و روایات و سیره نبوی و غیره منافاتی با شرع مقدس نخواهد داشت.

۱. نظریه منطقه الفراغ

این نظریه مبین این امر است که در حقوق اسلام، خلأهای قانونی وجود دارد و حاکم اسلامی در هر دوره‌ای بنا به شرایط زمانی و مکانی و با لحاظ اقتضائات دوران زندگی خویش، نسبت به رفع این خلأهای قانونی به منظور رفع نیازهای مردم تلاش می‌نماید. پایه‌گذار این نظریه صدر بوده است. بر اساس این نظریه، منطقه الفراغ به حوزه‌هایی از دین مربوط می‌شود که به جهت ماهیت متغیر آن، احکام و موضوعات و عناوین مربوط به آن نیز دستخوش تغییر و تحول می‌باشند و در این حالت شارع مقدس وضع قواعد و مقررات مناسب با اوضاع و احوال و همگام با مقتضیات زمانی و مکانی هر دوره را در چارچوب اصول و قواعد فقهی مشخص شده‌ای، بر عهده ولی امر قرار داده است.

نظریه منطقه الفراغ یکی از نظرات خاص و به تعبیر فقها شاذ در این زمینه تلقی می‌گردد و پس از شهید صدر این نظریه چندان مورد استقبال قرار نگرفت. به علاوه مخالفان این نظریه می‌توانند با ارائه برخی آیات و روایات که نشان‌دهنده جامعیت و جاودانگی شریعت اسلام و احکام آن است، وظیفه حاکم اسلامی را صرفاً در مرحله تطبیق احکام کلی بر مصادیق آن منحصر نموده و قائل به این باشند که کلیه احکام شریعت اسلامی در مرحله ذات و یا اجرا دارای انعطاف لازم جهت تطابق با اقتضائات زمانی و مکانی هستند (حکمت نیا ۱۳۸۷: ۳۷۷).

بر این اساس، شارع مقدس به دلیل عدم رواج اختراعات به شکل گسترده امروزی در آن عصر، حکمی را مقرر ننموده؛ لیکن این اختیار را به ولی امر و رئیس حکومت اسلامی اعطا نموده است تا در موارد خاص و به لحاظ رعایت مصالح و منافع جامعه به نوعی حکمی

حکومتی به صورت موقت و متناسب با نیازهای جامعه صادر نماید (صادقی نشاط ۱۳۷۶: ۳۳). فلذا از آنجا که مسائل مرتبط با این حق در مباحث فقهی فاقد سابقه هستند و با استناد به قواعد، اصول و مبانی فقهی نیز نمی‌توان به صورت مستند و مستدل به مشروعیت و اعتبار این شاخه از حقوق حکم داد، لذا شایسته است رئیس حکومت اسلامی و حاکم جامعه در این گونه از امور دخالت نموده و از باب ولایتی که به‌عنوان حاکم اسلامی داراست و در جهت حفظ مصالح امت اسلامی و دفع مفسده و جلوگیری از اختلال امور اقتصادی جامعه، به آن‌ها اعتبار قانونی بخشیده و مشروعیت آن‌ها را اعلام نماید (اشتیاق ۱۳۷۱: ۲۰۹).

۲. نظریه ملازمه

یکی دیگر از مستندات مشروعیت این حق را می‌توان «قاعدۀ ملازمه» دانست، به این معنا که هرگاه حکمی مورد اتفاق عقلای جامعه قرار گرفت، حکم شرعی آن نیز همان خواهد بود و با لحاظ این که امروزه عقلای اکثر جوامع برای حق مخترع ارزش خاصی قائل و دارنده آن را برخوردار از حمایت می‌دانند؛ لذا عقلای جوامع اسلامی نیز همسو عقلای سایر کشورها این حق را محترم می‌دانند.

برخی از اندیشمندان و نیز فقهای معاصر نیز این نظریه را در چارچوب نظریه دین حداقلی بیان داشته‌اند. بر اساس این نظریه اگر احکام دین مرتبط با مسائل دنیوی است واجد احکامی است که با اقل شرایط و نیازهای معیشتی انسان وفق داشته و لازم الاجراست و نیازهای حداقلی یک زندگی ساده را برآورده می‌سازد، اما برآورده ساختن حاجات بزرگ‌تر را در قالب یک زندگی بزرگ‌تر و پیچیده‌تر مورد نظر ندارد و چنانچه احکام دینی در زمینه بیان احکام اخروی است اقل سعادت اخروی و صعود به پایین‌ترین مراتب معنوی را ممکن می‌سازد (سروش ۱۳۷۸: ۸۴).

جوادی آملی در مقام پاسخ به این دیدگاه و نظریه با عنوان نظریه دین حداقلی، بیان می‌دارد که «در بحث‌های اخیر مربوط به دین و توسعه، برخی گفته‌اند که در دین سخن از توسعه و مدیریت و رهبری نیست، بلکه این امر به عهده عقل است، آن‌ها می‌پندارند که عقل در برابر دین است، درحالی که عقل و نقل دو چشم دین‌اند...».

این دو سخن از دو اندیشمند و فقیه اگرچه به ظاهر دو بیان متعارض محسوب می‌گردد؛

ولی به لحاظ ماهیت و بیان محتوا یک نظر را ارائه می‌دهند، به گونه‌ای که هر دو، برخی خلأهای موجود در فقه مورد پذیرش قرار گرفته و به‌علاوه هر دو در این موضوع اشتراک نظر دارند که پر کردن این خلأها تنها و تنها با استمداد از عقل میسر است.

براین اساس، چون بر اساس حکم عقل، اعتباربخشی به حق اختراع در شرایط امروز جامعه یک ضرورت و نیاز انکارناپذیر است، لذا می‌تواند به عنوان یکی از قوانین شرعی نیز تلقی گردد.

۳. قاعده لاضرر

فقها در بیان دیدگاه‌های خود در بسیاری از موارد به قاعده لاضرر تمسک جسته‌اند. بر اساس این قاعده فقهی، هر معامله و یا حکم شرعی که به موجب آن به جان، مال یا آبرو و اعتبار مسلمان و مؤمنی ضرری وارد می‌گردد، از منظر شرع محکوم است و نظر شارع مقدس به بطلان و عدم اجرای آن حکم و معامله است.

موافقان حق اختراع مبنای مشروعیت این دسته از حقوق را این‌گونه تبیین می‌نمایند که هر کالا و محصول فکری تولید شده، حاصل تلاش پدیدآورنده آن است و چه بسا مخترع، سالیان متمادی جهت ایجاد آن اثر و ایده فکری صرف نموده باشند و عدم احترام به این نوع از حق، مستلزم نادیده انگاشتن زحمات و تلاش‌های فکری پدیدآورنده اثر و هزینه‌های مادی و معنوی او و معادل ضرر زدن به وی محسوب می‌گردد و این امر در تعارض با قاعده لاضرر تلقی می‌گردد.

۴. قاعده صحت

به عقیده برخی اصل و قاعده صحت، در مشروعیت بخشیدن و شناسایی اعتبار و اثبات عمده مسائل و موضوعات مستحدثه و از جمله در خصوص حق اختراع، کاربرد داشته و قابل استناد است.

بر اساس این قاعده؛ چنانچه در صحت و اعتبار مسئله‌ای شک و شبه‌ای وجود داشته باشد، با حصول سایر شرایط مربوط به اعمال این قاعده، به صحت و اعتبار آن حکم می‌گردد. از این قاعده در خصوص موضوع حق اختراع نیز می‌توان به این صورت بهره

جست که چون در خصوص حق مزبور این شبهه وجود دارد که آیا بنا به ماهیت خاص خود مورد تأیید شارع مقدس قرار داشته است و یا خیر؟ فلذا چون به عدم صحت و اعتبار آن به دلیل فقدان اسناد و دلایل متقن، نرسیده‌ایم، شایسته است بر مبنای این قاعده به صحت آن نظر داده و اعتبار آن را مورد حکم قرار دهیم.

در خصوص دامنه شمول و اجرای این قاعده فقهی دیدگاه‌های مختلفی مطرح گردیده، بر اساس یک دیدگاه، اصل صحت در صورتی قابل اعمال خواهد بود که شرایط عرفی و شرعی معامله محرز باشد و به تعبیر حقوقی در شرایط اساسی معامله شبهه‌ای وجود نداشته باشد و براین اساس، در خصوص حق اختراع بدان جهت که شرایط شرعی و اساسی آن محل تردید است، فلذا قاعده صحت کاربردی نخواهد داشت. به عبارت دیگر چون موضوع این حق از مسائل مستحدثه محسوب می‌گردد، پیش از اثبات شرعی بودن آن، نمی‌توان از قاعده صحت بهره گرفت. این دیدگاه نسبت به اعمال اصل صحت در میان فقها طرفداران بیشتری دارد (موسوی بجنوردی ۱۳۸۸ ج ۱: ۲۹۲).

دیدگاه دیگر، مبین این است که بهره جستن از اصل صحت جهت اعتباربخشی و مشروعیت دادن به مسائل مستحدثه نیز امکان‌پذیر بوده و این قاعده این قابلیت را نیز داراست. براین اساس، با توجه به شک در تأیید شارع از این شاخه حقوق و عدم احراز ردع آن، بر مبنای قاعد صحت می‌توان حکم به اعتبار آن صادر نمود (انصاری ۱۴۰۱ ج ۳: ۳۶).

۵. اجرای حکم ولی فقیه در مسائل مستحدثه

همان‌گونه که بیان شد، عدم تصریح شارع مقدس و سکوت وی را نمی‌توان حمل بر غیرشرعی بودن این دسته از حقوق دانست، بلکه دلیل سکوت شارع، مبتلا به نبودن این مسائل در آن دوره زمانی است.

همچنین به استناد قاعده «کل شیء مطلق، حتی یرد فیه نهی» می‌توان بر اباحه و مشروعیت این حقوق نظر داد (صادقی ۱۳۸۱: ۶۷).

اختیارات گسترده‌ای که بر اساس نظام فقهی شریعت اسلام به حاکم اسلامی اعطا گردیده، در زمینه مسائل مستحدثه می‌تواند و بایستی راه گشا باشد؛ زیرا بر اساس اصول و موازین فقهی اسلامی، تبعیت و فرمانبرداری از ولایت فقیه در مسائل حکومتی بر همگان

واجب دانسته شده است. ولی فقیه می‌تواند با توجه به ضرورت ارتقا و توسعه علمی و صنعتی کشور که بخشی از آن می‌تواند ناشی از پذیرش حق اختراع باشد، نسبت به صدور حکم حکومتی مبنی بر مشروعیت این حق اقدام و جامعه را ملزم به محترم شمردن آن نماید.

۶. ضرورت احترام به حقوق مکتسبه

شرع مقدس اسلام ضمن تکریم تلاش افراد، احترام زیادی را برای حقوق مکتسبه اشخاص قائل بوده و همگان را از تعرض به این حقوق منع می‌دارد. به نظر می‌رسد اعتبار حقوق مالکیت‌های فکری همچون حق اختراع نیز کمتر از مالکیت‌های عینی و مادی افراد بر اشیاء مادی و مالی نیست و شایسته است حکومت اسلامی مقرراتی را در جهت حفظ و صیانت از این حقوق تدوین نماید.

عموماً در خصوص مباحث اصولی و فقهی، موضوعات را از عرف و احکام شرعی مربوط به مصادیق مزبور را از شرع مقدس، اخذ می‌نمایند و علم اصول نیز به‌عنوان علمی که وظیفه استنباط احکام شرعی را عهده‌دار است شناخته می‌شود (محمدی ۱۳۷۸: ۲۳) در خصوص حق مورد بحث نیز وضع به همین منوال است، یعنی حکم شرعی، مبین حرام بودن ظلم و تعرض به حقوق و اموال دیگران است و مصادیق و موضوعات ظلم و تجاوز، جزء اموری است که از عرف اخذ خواهد شد و بدون شک امروزه عرف رایج تقریباً همه جوامع در نظام‌های حقوقی و از جمله در نظام حقوقی اسلامی هرگونه تعدی به حقوق مخترع را مصادیقی از ظلم تلقی می‌نماید. به علاوه بر اساس احکام منبعث از شرع مقدس، هرگونه تصرف در املاک دیگران بدون رضایت و کسب اجازه و اذن ایشان ممنوع است و بدیهی است که این حکم شرعی بر کلیه مصادیق و موضوعات خارجی اش به جز مواردی که به هر دلیل استثناء شده است بار خواهد شد و از آنجا که حقوق مالکیت‌های فکری نیز در زمره انواع مالکیت‌ها قرار گرفته و دارای مالک مشخصی نیز هست، لذا مورد شمول حکم شرعی مزبور بوده و هرگونه تعدی و تصرف در آن بدون جلب رضایت مالک آن، ممنوع و مورد نهی شرعی و ممنوعیت قانونی خواهد بود (امامی ۱۳۷۱: ۲۱۰).

۷. گسترش و توسعه مفهوم ملکیت

در جهان صنعتی امروز کار و فعالیت‌های فیزیکی، تنها بخشی از ارکان پدیدآورنده محصولات و مصنوعات محسوب شده و در کنار آن، افکار و نبوغ انسان‌ها به‌عنوان عامل اصلی‌تر تلقی می‌گردد و هر اختراع و اکتشافی، دارای پشتوانه‌ای عظیم با عنوان نبوغ، استعداد و قوه ذهنی مخترع بوده که پس از ترکیب با فعالیت‌های فیزیکی به شکل محصول نهایی عرضه و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. در همه این موارد ملکیت‌های مادی با ملکیت‌های فکری در هم آمیخته است و از آنجا که ملکیت یک اصل عقلی تلقی شده، چنانچه ملکیت شیئی خارجی و عینی باشد، آن را اصطلاحاً ملکیت مادی می‌نامند، لیکن ممکن است متعلق این ملکیت در عالم خارج متجلی نبوده و معلول فکر و نبوغ انسان باشد و تنها بتوان آثار پدیدار شده آن را در عالم خارج مشاهده نمود که این موارد هم نوعی از ملکیت محسوب می‌گردد (موسوی بجنوردی ۱۳۷۳: ۱۱) و همان‌گونه که ملکیت مادی امری است مشروع و مورد احترام، لازم است در خصوص ملکیت‌های فکری نیز همین نگرش صحیح را داشت و آن‌ها را نیز مورد شناسایی و احترام قرار داد.

بر مبنای این نظریه؛ آنچه با شناسایی ملکیت‌های فکری اتفاق خواهد افتاد، توسعه در مفهوم ملکیت است. بدین معنا که مفهوم ملکیت از تأسیسات امضائی شارع بوده و با پیدایش مالکیت فکری، هیچ‌گونه اتفاق غیره منتظره و خلاف نظر عقلا روی نداده است، بلکه آنچه پیش آمده است تنها تغییر در مفهوم ملکیت و در نتیجه آن، گسترش دامنه مصادیق و موضوعات مبتلا به آن است. بدین معنا که قبل از پیدایش مالکیت فکری، عقلا صرفاً اشیای مادی و محسوس را به‌عنوان ملک می‌شناختند، لیکن با پیدایش مالکیت‌های فکری و ظهور مصادیق آن، مفهوم ملکیت توسعه داده شد و به اشیای غیر مادی از جمله حق اختراع نیز تسری داده شده است (حلیمی ۱۳۸۴: ۸۱).

۸. سیره عقلا

موضوع حق اختراع و اعطای حقوق انحصاری به مخترع، مورد پذیرش اندیشمندان اکثر کشورها قرار گرفته و ضمن پذیرش آن، نسبت به انعقاد قرارداد جهت انتقال و بهره‌برداری از آثار و محصولات ناشی از ابداعات و خلاقیت‌های ذهنی اقدام نموده‌اند و به‌علاوه

قوانین و مقررات و کنوانسیون‌های متعدد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در این راستا تدوین گردیده است، فلذا بر مبنای نظریه سیره عقلا نیز می‌توان قائل به اعتبار حق اختراع بود و بر این نظر عقلا صحه گذاشت که پذیرش حقوق مخترع به مصلحت جامعه بوده و موجبات رشد و پیشرفت علمی و صنعتی و نهایتاً رفاه و آسایش جمعی را فراهم خواهد ساخت. به نظر برخی فقهای معاصر، عقلا بما هم عقلا در تمام جوامع الهی اعم از جوامع اسلامی، مسیحی، یهودی و زرتشتی یا غیر الهی، متفقاً برای حق اختراع، ارزش قائل هستند و این مسئله را مختص به ذی حق می‌دانند (موسوی بجنوردی ۱۳۹۳: ۷).

مکارم شیرازی نیز در پاسخ به استفتائی در خصوص حقوق مالکیت‌های فکری اشاره کرده که مالکیت فکری همچون مالکیت مادی محترم است و تجاوز به حریم آن جایز نیست و هر کس تجاوز کند و خسارتی به بار آورد ضامن است؛ زیرا مالکیت از موضوعات عرفی و عقلایی است و به تعبیر دیگر از موضوعاتی است که عرف و عقلا آن را تعیین می‌کند و می‌دانیم که در عصر و زمان ما این نوع مالکیت در عرف و نزد عقلا به رسمیت شناخته شده است و از آنجا که موضوع را از عرف می‌گیریم و حکم را از شرع، چنین نتیجه خواهیم گرفت که اصل کلی (لا یحل لاحد ان یتصرف فی مال غیره الا باذنه) شامل آن هم می‌شود. اضافه بر این گاه می‌شود که برای اختراع یک وسیله صنعتی و یا اکتشاف یک دارو یا تألیف یک کتاب یا تولید یک سی دی، میلیون‌ها خرج می‌کنند و صدها ساعت زحمت می‌کشند. به یقین اگر کسی آن اثر را بردارد و بدون اجازه تولید کند، تکثیرکننده ظلم فاحشی مرتکب شده و ظلم از نظر شرع و عقل حرام است (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی، استفتانات).

به نظر می‌رسد، اصلی‌ترین مبنا در اثبات مشروعیت حقوق مالکیت‌های فکری همین بنای عقلاست. علاوه بر مستندات مورد اشاره، فقها در تبیین این حق به قواعدی همچون «الاحرج» و «اختلال در نظام اسلامی» نیز استناد نموده‌اند.

دیدگاه‌های حقوقی

عمده پژوهش‌های صورت پذیرفته در خصوص مبانی این حق، بر دو مکتب حقوق طبیعی و نیز حقوق مربوط به شخصیت تأکید داشته و علی‌رغم نقدهایی که در مقام رد نظریات ارائه

شده در این دو حوزه بیان گردیده است، عمده نویسندگان به این دو مکتب حقوقی، یعنی حقوق طبیعی یا فطری و حقوق شخصیت به منظور توجیه حق اختراع تمسک جسته‌اند.

۱. حقوق طبیعی

برخی معتقدند که حقوق مالکیت‌های فکری و مصادیق مورد حمایت آن از جمله حق اختراع، مانند حق حیات، حق مسکن و ... جزئی از حقوق فطری و طبیعی بشر محسوب می‌گردد که از دیرباز وجود داشته و بشر به تدریج به وجود آن واقف گشته است و لزوم رعایت آن‌ها را احساس نموده است (میر حسینی ۱۳۸۷: ۴۷). بر اساس این نظریه، حق اختراع باید بر اساس حقوق طبیعی توجیه گردد و به عبارت دیگر، انسان از آن جهت که انسان است، به‌طور طبیعی از حقوقی برخوردار گردیده است، لذا در این خصوص نیز پدیدآورنده فرآورده یا فرآیند اختراعی باید صاحب حق و اختیار در خصوص اثر پدیداری خویش بوده و از منافع مادی و معنوی آن برخوردار گردد و دیگران از تجاوز بدان خودداری نمایند. این نظریه دیدگاهی آرمانی و اخلاقی به حقوق دارد (حکمت نیا ۱۳۸۷: ۱۹۳).

بر اساس این نظریه، حقوق طبیعی قواعدی برتر از اراده دولت‌ها و قانون‌گذاران هستند و چون منبعث از فطرت انسان‌ها بوده، همانند سایر امور فطری همیشه ثابت بوده و نسبت به همه اقوام و ملل در سراسر جهان به صورت یکسان و مساوی قابل اجراست.

به عقیده فرانسوا هپ^۱، رئیس پیشین اداره حق مؤلف سازمان یونسکو، این دسته از حقوق در زمره حقوق طبیعی محسوب می‌گردد و همانند کلیه مصادیق حقوق طبیعی از گذشته وجود داشته است؛ ولی بشر به تدریج به وجود آن وقوف یافته است و لزوم رعایت و احترام به آن را در وجود خویش احساس نموده است و با پیشرفت بشر به سوی تمدن و صنعتی شدن، شناسایی این حقوق، محقق شده است (آیتی ۱۳۷۵: ۵۸).

این دیدگاه در ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز تصریح گردیده است. این اعلامیه مقرر می‌دارد «این حق طبیعی هر مؤلف است که از طرف دولت نسبت به حق مادی و معنوی خود نسبت به اثر خویش مورد حمایت قرار گیرد» (آیتی ۱۳۷۵: ۷۵)

1. Francois Heppe

برخی دیگر از نظریه پردازان نیز بدون آنکه قائل به جنبه متافیزیکی این دسته از حقوق باشند، بر وجود و ضرورت آن تأکید دارند. به نظر ایشان همه انسان‌ها به‌عنوان موجوداتی دارای عقل و ادراک به صورت منطقی بایستی برخی از حقوق را برای خویش مطالبه نمایند و در مقابل همه حق‌ها را برای دیگران نیز به رسمیت شناخته و بدان احترام بگذارند. این حق‌ها در همه جوامع با هر رنگ و نژاد و قومیتی وجود دارند، حتی اگر هیچ‌گونه تأیید و یا تبیین صریح و روشنی از مفهوم آن‌ها وجود نداشته باشد (خدمتگزار ۱۳۹۱: ۹۸).

بر اساس نظریه معروف کار منتسب به جان لاک^۱ خداوند بر اساس ذات خداوندی‌اش و به‌عنوان خالق همه موجودات و تأمین کننده نیازهای آن‌ها، همه امکانات مورد نیاز جهت آسایش مخلوقات از جمله انسان را در روی زمین فراهم و به طور مشترک آن‌ها را به همه انسان‌ها اختصاص داده است و به آن‌ها این حق طبیعی و خدادادی را اعطا نموده که با بهره‌مندی از این امکانات بالاترین درجه آسایش را برای خویش فراهم کنند.

براین اساس، خداوند به بشر دستور داده است که جهت بهره‌مندی مطلوب از طبیعت و هر آنچه در آن به ودیعه نهاده، به کار و تلاش همت گذارد، هرگاه کار و تلاش انسان با آنچه خداوند در زمین قرار داده است ممزوج شود؛ آنگاه شیء موضوع کار انسان از مالکیت و امکان بهره‌مندی اشتراکی همه انسان‌ها خارج شده و به مالکیت اختصاصی شخصی که کار کرده است درمی‌آید و بدین ترتیب، حق اختصاصی برای وی به وجود می‌آید که بایستی دیگران همانند کلیه حقوق اختصاصی اشخاص آن را محترم شمارند.

البته این نوع از مالکیت اختصاصی منوط به حصول شرایطی است. از جمله این که استفاده از این حق و آمیخته شدن کار و تلاش انسانی با منابع طبیعی خدادادی، نمی‌تواند و نباید موجب تحمیل زیان‌هایی به دیگران باشد و استفاده از این حق نمی‌تواند موجب اتلاف بی‌رویه و گسترده منابع طبیعی در اختیار بشر گردد.

بر اساس این نظریه، با توجه به این که کار مستلزم تحمل برخی مشقت‌هاست و انجام دادن آن عموماً برای اشخاص نامطلوب است؛ لذا بایست به کسانی که این سختی‌ها را پذیرا شده و علی‌رغم همه مشکلات، به انجام کاری مبادرت می‌ورزند، پاداش مناسبی اعطا

1. John Locke

نمود و اعطای حق مالکیت نسبت به شیئی که کاری بر روی آن انجام شده است، می تواند مناسب ترین پاداش محسوب گردد.

به علاوه، ترکیب نیروی کار انسان با منابع طبیعی و خدادادی موجود در روی زمین باعث ارزش افزوده این منابع خام می شود، آن را به شیئی ارزشمند تبدیل نموده و بدین ترتیب مالکیت شخص، مابه ازای تلاش وی در جهت ایجاد این ارزش افزوده است. آنچه از آن به عنوان کار و تلاش در این نظریه مطرح گردیده، صرفاً فعالیت بدنی را شامل نمی گردد و فعالیت های فکری نیز می تواند مصداقی از کار و تلاش محسوب گردد و چه بسا دشواری این نوع فعالیت در بسیاری از موارد از کار بدنی نیز بیشتر است؛ لذا در حوزه تبیین مبانی این حق به نظریه کار تمسک جسته اند.

۲. حقوق شخصیت

این نظریه ابتدا از سوی کانت^۱ مطرح گردید. به نظر وی در هر انسانی به طور خدادادی قابلیت تحت عنوان قابلیت از آن خود دانستن اشیاء، به ودیعه نهاده شده است. زمانی یک شیء از آن من محسوب می گردد که آن چنان علقه ای با آن داشته باشم که اگر دیگری بدون اجازه من از آن استفاده و به هر طریقی بهره برداری کند موجبات ورود زیان به من را فراهم کرده است.

بر اساس این دیدگاه، اراده انسان همواره مایل است که به هر طریق ممکن، دنیای بیرون را و هر آنچه در آن است به تصرف درآورده و مورد بهره برداری قرار دهد و این میل لازمه شخصیت انسان ها محسوب می گردد و انسان ها با استفاده از سیطره و اعمال مالکیت بر اشیاء، خود را به شخصیتی که دوست دارد و ماهیت وجودی اوست، تبدیل یا لااقل نزدیک می کنند؛ لذا جامعه نیز باید این گونه مالکیت و یا ادعای مالکیت را که لازمه شخصیت انسان است محترم شمرده و آن را مجاز بداند.

این نظریه به خصوص در حوزه مالکیت های فکری، بیشتر از مالکیت اشیاء مادی مورد پذیرش قرار گرفته است؛ زیرا تولید آثار فکری و خلاقانه صرفاً مختص انسان و وابسته به

شخصیت اوست، برخلاف مالکیت‌های مادی که در مواردی برخی حیوانات نیز از آن بهره‌مند بوده و نسبت به آن تعلق دارند، از جمله حس مالکانه‌ای که پرندگان بر آشیانه خود دارند؛ اما تولید آثار ناشی از خلاقیت، صرفاً مختص انسان بوده و وی با خلق این آثار شخصیت خود را به شکل کامل‌تری بروز می‌دهد (خدمتگزار ۱۳۹۱: ۱۱۷ - ۱۱۶).

بر اساس این نظریه، حقی که یک مخترع با حصول شرایط مقرر قانونی نسبت به اختراع خود پیدا می‌کند؛ همانند سایر حقوق وابسته و مرتبط با شخصیت انسانی وی از جمله؛ حق انتخاب نام و شغل در زمره حقوق شخصی وی محسوب می‌گردد و با توجه به این که این دسته از حقوق صرفاً وابسته به شخصیت حقیقی مالک بوده و نمی‌تواند جزء اموال و در زمره دارایی وی محسوب گردد؛ لذا قابل انتقال به دیگران نیست. امری که به لحاظ ماهیت حق اختراع و به خصوص ویژگی قابل نقل و انتقال بودن آن، صحیح به نظر نمی‌رسد (میرحسینی ۱۳۸۷: ۴۷).

۳. قرارداد اجتماعی

این نظریه عمدتاً برگرفته از مفاهیم حوزه علوم اجتماعی و علوم سیاسی بوده و بیشتر در خصوص مباحثی نظیر نحوه پیدایش اجتماعات انسانی و شیوه‌های سازگاری و تطبیق حقوق و آزادی‌های انسان‌ها با تکالیف ایشان در جامعه و رابطه میان مردم و دولت‌ها مطرح می‌گردد. در این نظریه برخلاف حقوق طبیعی و حقوق شخصیت که قائل به اصالت فرد می‌باشند، در راستای ضرورت حفظ نظم و نگاهداشت جامعه، اصالت فرد به چالش کشیده شده و اصالت را به جامعه می‌بخشد.

این نظریه بیشتر برگرفته از تفکرات دانشمندی چون ژان ژاک روسو است. بر اساس نظر وی، در وضعیت طبیعی جوامع، هیچ فردی نمی‌تواند بر دیگری برتری و حکمرانی داشته باشد و از این لحاظ همه انسان‌ها در حالتی برابر و برخوردار از آزادی‌های طبیعی قرار دارند؛ لیکن شکی در این نیست که اعمال آزادی کامل از سوی همه انسان‌ها و مطابق میل و خواسته آن‌ها، می‌تواند وضعیت نامطلوب و غیرقابل تحملی را ایجاد نماید؛ بنابراین انسان‌ها بنا به ضرورت و در جهت ایجاد آرامش فردی و برقراری امکان زیست مطلوب‌تر، منفعت خود را در این می‌بینند که تن به نوعی قرارداد داده و بخشی از حقوق و آزادی‌های خود را

واگذار و اجرا و بهره‌برداری از آن را به منظور تأمین نظم، رفاه، آسایش و آرامش بیشتر و همگانی به اجتماع و دولت‌ها واگذار نمایند.

بر اساس این نظریه، مردم در وضع طبیعی، با انعقاد قرارداد اجتماعی تصمیم گرفته‌اند که نسبت به فعالیت‌های فکری و اعطای حقوقی به مخترعین ارزش قائل شده و به مخترعین پاداشی را اعطا و حقوق مترتب بر آن را محترم شمارند.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در خصوص مبانی نظری فقهی و حقوقی حق اختراع و با توجه به نقش رو به گسترش این حق در تأمین رفاه و آسایش عمومی و با عنایت به پویایی فقه و به علاوه با لحاظ سابقه تقنینی موضوع در قوانین و مقررات داخلی کشورمان، از جمله، قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶ و ضرورت انطباق مقررات مزبور با موازین شرعی، حسب مفاد اصول چهارم و نود و چهارم قانون اساسی، به نظر می‌رسد مبانی فقهی و حقوقی موضوع با تمسک به عمومات ادله‌ای همچون ضرورت وفای به عهد و لاضرر و سیره عقلا، قابل دفاع و پذیرش است. به علاوه با توجه به پذیرش مالیت این دسته از حقوق به عنوان اموال غیرمادی، موضوع قابلیت تملک حقوق مزبور و سایر حقوق ناشی از آن از جمله قابلیت نقل و انتقال اعم از انتقال قهری و یا ارادی نیز قابل دفاع بوده و از این منظر این دیدگاه و نظریه، رو به گسترش و توسعه خواهد بود و ضمن توجه به الزامات ناشی از ترجیح منافع عمومی، حقوق مخترعین و صاحبان این نوع از حقوق را نیز در راستای ایجاد انگیزه به منظور طرح ایده‌های نو و خلاقانه و کسب منافع مادی ناشی از تلاش خویش مورد توجه قرار خواهد داد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی تمام مقاله را نوشته است.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- آیتی، حمید. (۱۳۷۵) حقوق آفرینش های فکری با تأکید بر حقوق آفرینش های ادبی و هنری، نشر حقوقدان، چاپ اول.
- اشتیاق، وحید. (۱۳۷۱) «نظر چند تن از فقها و آیات عظام پیرامون حقوق مالکیت های فکری»، فصلنامه رهنمون مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۲ و ۳
- امام خمینی، سیدروح الله. (۱۴۲۶ ق.). الإجتهد والتقلید، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی، چاپ دوم.
- امام خمینی، سیدروح الله. (۱۳۸۵) تحریر الوسیلة (ترجمه فارسی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- امامی، نورالدین. (۱۳۷۱) «حقوق مالکیت های فکری»، فصلنامه رهنمون مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۲ و ۳
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۶ق) فرائد الاصول (رسائل)، قم: انتشارات مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی، استفتائات
- حکمت نیا، محمود. (۱۳۸۷) مبانی مالکیت فکری، نشر سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
- حلیمی، عمران. (۱۳۸۴) «مبانی فقهی و حقوقی مالکیت معنوی از دیدگاه مذاهب»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۱۶
- خدمتگزار، محسن. (۱۳۹۱) فلسفه مالکیت فکری، تهران: نشر میزان، چاپ دوم.
- درینی، فتحی. (۱۳۷۶) حقوق مؤلفان، مترجمان، هنرمندان و ناشران در فقه معاصر اسلامی، ترجمه محمودرضا افتخارزاده، تهران: نشر هزاران.
- رحیمی، مرتضی و عباسعلی سلطانی. (۱۳۸۵) «مبانی فقهی حقوق مالکیت معنوی در فقه شیعه»، نشریه الهیات و معارف اسلامی، شماره ۷۳، صص ۱۷۲-۱۳۲.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۸) بسط تجربه نبوی، نشر مؤسسه فرهنگی صراط، چاپ دوم.
- صادقی نشاط، امیر. (۱۳۷۶) حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای

- کامپیوتری، دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک کشور، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- صادقی، محسن. (۱۳۸۱) «حقوق پدید آورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای با تأکید بر قانون حمایت از حقوق پدید آورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری، شماره ۲۶
- عمید، حسن. (۱۳۷۱) فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- مازندرانی، محمد صالح. (۱۳۸۸ق) شرح اصول کافی، تهران: نشر اسلامی.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۰) قواعد فقه، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ هشتم.
- محمدی، ابوالحسن. (۱۳۷۸) مبانی استنباط حقوق اسلامی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، چاپ یازدهم.
- مطهری، احمد. (۱۴۰۳ق) مستند تحریر الوسیله، مسائل المستحدثه، قم: چاپ‌خانه خیام.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۲) نظری به اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات صدرا، چاپ دهم
- معین، محمد. (۱۳۷۱) فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم.
- منصور آبادی، عباس و جواد ریاحی. (۱۳۹۱) «مفهوم شناسی «مبانی» در پژوهش‌های حقوقی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۲۲، صص ۲۴-۹.
- موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۷۳) «میزگردی پیرامون حقوق مالکیت‌های فکری»، روزنامه همشهری، شماره ۵۹۵.
- _____ (۱۳۹۳/۴/۸) «مشروعیت مالکیت معنوی»، روزنامه آرمان امروز، شماره ۲۵۰۵.
- _____ (۱۳۸۸) قواعد فقهیه، تهران: انتشارات مجد، چاپ دوم.
- میرحسینی، سید حسن. (۱۳۸۷) حقوق اختراعات، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- Amid, Hassan. (1992) *Dictionary of Persian language*, Tehran: Amir Kabir Publishers, 1st Volume, 1st edition. (In Persian)
- Ansari, Morteza. (1995) *Faraid al-Asul (rescript)*, Al-Nashar al-Islami

Institute, Qom, fifth edition, vol. 3. (In Arabic)

- Ayati, Hamid. (1996) *The rights of intellectual creations with an emphasis on the rights of literary and artistic creations*, Hoghghdan Publishing, 1st edition. (In Persian)
- Dorayni, F. (1997) *The fees of authors, translators, artists and publishers in Islamic*, by Mahmoud Reza Eftekhari Zadeh, vol. 1. (In Persian)
- Emami, Nooreddin, (1992) "Intellectual property rights", The Shahid Mutahari University, *Rahnomoon Journal*, No. 2 and 3. (In Persian)
- Eshtiagh, Vahid. (1992) "The opinion of several jurists and great verses about intellectual property rights", The Shahid Mutahari University, *Rahnomoon Journal*, No. 2 and 3. (In Persian)
- Halimi, Imran. (2005) "Jurisprudential and legal foundations of intellectual property from the point of view of religions", *Hikmat and Islamic philosophy (HIP)*, NO. 16. (In Persian)
- Hekmatnia, Mahmoud. (2007) *Fundamentals of intellectual property*, Research Institute for Islamic Culture and Thought Publication, 2nd edition. (In Persian)
- Khedmatgozar, Mohsen. (2011) *Philosophy of Intellectual Property*, Mizan Publishing House, 2nd edition. (In Persian)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah. (1997) "*Ijtihad and Taqlid*", The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, 1st edition. (In Arabic)
- _____. (2006) *Tahrir al-Wasilah*, The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, 1st edition. (In Persian)
- Mansour Abadi, Abbas & Riahi, Javad. (2012) "The Concepts of basic in Legal", *Journal of Legal Research*, No. 22, pp: 9-24. (In Persian)
- Mazandarani, Mohammad Salih. (2009) *Description of Usul al-kafi*, Tehran: Islamia Publishing House, vol. 1. (In Persian)

- Mir Hosseini, Seyyed Hassan. (2008) *Patent Law*, Mizan Publishing House, 1st edition. (In Persian)
- Mohaghegh Damad, Seyyed Mostafa. (2001) *The Rules of Jurisprudence*, The Center for Islamic Sciences (CIS)", eighth edition, civil section, vol. 2. (In Persian)
- Mohammadi, Abolhassan. (1999) *Fundamentals of Inferring Islamic Law*, University of Tehran Press (UTP), 11th edition. (In Persian)
- Moin, Mohammad. (1992) *Moin Encyclopedic Dictionary (Farhang-e Mo'īn)*", Amir Kabir Publishers, eighth edition, vol.1. (In Persian)
- Motahari, Ahmad. (1982) *Tahrir al- Wasilah documentary, Masael al- Mustahdaseh*, Qom: Head of Khayyam Khanate. (In Persian)
- Motahhari, Morteza (2012) *Commentary on Islamic Economics*, Sadra Publications, 10th edition. (In Persian)
- Mousavi Bojnordi, Seyyed Mohammad. (2009) *Jurisprudential Principles*, Majd publication, 2nd edition, vol.1. (In Persian)
- _____. (2014) "Legitimacy of intellectual property", *Arman Emroz Newspaper*, No.2505, date: 2014/6/29. (In Persian)
- _____. (1994) "An overview of intellectual property rights", *Hamshahri Newspaper*, No.595. (In Persian)
- Rahimi, Morteza & Soltani, Abbas Ali. (2006) "Jurisprudential foundations of intellectual property rights in Shia jurisprudence", *Journal of Islamic Studies*, No.73, PP:132-172.
- Sadeghi Neshat, Amir. (1997) *Protecting the rights of computer software creators*, Supreme Council of Cyberspace (Iran), Program and Budget Research (PBR) Publication. (In Persian)
- Sadeghi, Mohsen. (2002) "The rights of computer software creators with an emphasis on the law protecting the rights of computer software creators approved in 2000", *Legal Perspectives Quarterly*, Faculty of Judicial Sci-

ences and Administrative Services, No. 26 (In Persian)

- Soroush, Abdolkarim. (1999) *The Expansion of Prophetic Experience*, Sarat Cultural Institute Publication, 2nd edition. (In Persian)
- The office of Ayatollah Makarem Shirazi, Esteftat.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.